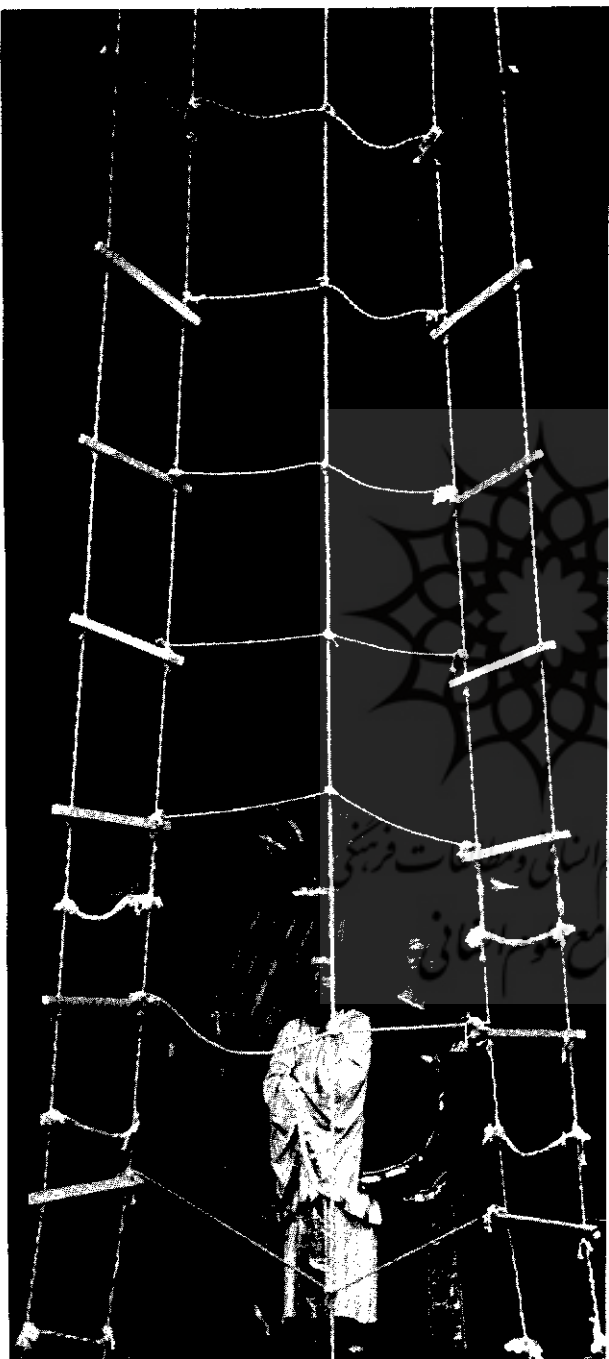


نگاه‌های به چینه‌نما پستی:

تغییر انقلاب،

همچنان زنده و آفرینشگر



● برنامه‌های تئاتر در نیمسال اول و ماههای اول پائیز سال ۶۱ در نگاه اول از نظر تعداد و کمیت توجه را جلب می‌کند، چرا که معمولاً تئاتر در فصل تابستان کمتر به صحنه می‌آید و تالارهای نمایش بیشتر برنامه‌های خود را در فصل پائیز و زمستان متمرکز می‌سازند. اما این بار تعدد برنامه‌ها در اول سال نیز بسیار زیاد است. در واقع مهم‌ترین و عمده‌ترین فعالیت هنری را در تالارهای نمایش تهران «تئاتر» تشکیل می‌دهد. این تالارهای نمایش عبارتند از: تالار وحدت، تالار سنگلیج، تئاتر شهر و تالار محراب که اخیراً افتتاح شده است.

تالار وحدت برنامه تئاتری [رپرتوار] خود را در نیمسال اول سال ۶۱ به گروه‌های آزاد نمایشی اختصاص داده است، و به این ترتیب با عرضه امکانات کار به این گروه‌ها، هدف همکاری با نهادها و هنرمندان آزاد را دنبال کرده است. در این بخش نمایشنامه‌های «ظهور و سقوط استبداد» توسط گروه سیاسی ایدئولوژیک ارتش استان خراسان، تعزیه «ما اهل کوفه نیستیم» توسط بنیاد شهید، «کوردلان» کار رئیسی، «کلانتوری» کار برادران عراقی، تئاتر اقلیت‌های مذهبی توسط آشوری‌ها و «میعاد و باران» توسط برادران پاسدار، در سالن اصلی تالار وحدت به صحنه آمده است. دیگر فعالیت عمده و قابل ذکر تالار وحدت در ارتباط با هنر نمایش فعالیت واحدهای کارگاه دکور، واحد خیاطی، دفتر امور طراحی و بخش‌های وابسته به آنها است که جز صحنه آرایی برای برنامه‌های وابسته به تالار وحدت و وزارت ارشاد اسلامی به‌انهادها و ارگان‌های انقلابی نیز همکاری نزدیک و متمرکز داشته‌اند. و در پائیز سال جاری تالار وحدت نمایش «عنکبوت» نوشته مهدی آفاق رابا کارگردانی «مجید جعفری» بر صحنه آورد.

بعد از تالار وحدت و برنامه‌های گروه‌های آزاد باید از تالار سنگلیج و تئاتر شهر نام برد که برنامه‌های نمایش در

صحنه‌های آنها را گروه‌های صاحب این حرفه پر کرده‌اند.

تالار سنگلیج در بهار سال ۶۱ دو نمایشنامه بر صحنه آورد که عبارت بودند از: «تجاوزگران» نوشته رضا کرم رضائی به کارگردانی «ایرج راد»، «بت» کار «بهاالدین صفری یگانه» و پس از آن نمایشنامه‌ای به زبان عربی با نام «نهایة السرطان» که توسط عراقی‌های مقیم ایران اجرا شد.

تئاتر شهر با اجرای هجده برنامه تئاتر در نیمسال اول سال جاری پرکارترین تالار نمایش در تهران به حساب می‌آید و به این جهت به حق باید این تئاتر را فعال‌ترین تالار نمایش در تهران شمرد، به ویژه که در آغاز فصل هنری نیز تعدد برنامه‌های نمایش از آن تئاتر شهر است.

برنامه‌های اجرا شده در تالارهای گوناگون تئاتر شهر عبارتند از: «لومویا» [بر اساس نمایشنامه «فصلی در کنگو» نوشته امه سه زر] کارهوشنگ توکلی، «میراب» نوشته کریم اکبری مبارکه به کارگردانی خود او، «تبعه دست دوم» نوشته بن کالدول با کارگردانی «منیره محامدی»، «ایستگاه برزخ» نوشته حسین نوری به کارگردانی «محمد الهی»، دوخیمه شب بازی «دوستان الماس»، و «همه با هم» کار جواد ذوالفقاری، «طلوع دهکده» بانوشته و کارگردانی اسماعیل سلطانیان، «سرود سرخ آزادی» نوشته محمدرحمانیان، و «کاپیتولاسیون» نوشته و کارگردانی «نورالله حسینخانی»، «راه طویل سیمرغ» نوشته و کارگردانی «علینقی رزاقی»، «تیرغیب» نوشته محسن مخملباف به کارگردانی «تاجبخش فناثیان»، «آزدهای شکمو» نوشته مهدی وثوقی به کارگردانی «امیرامیرسلیمانی»، «دق مرگ» با نوشته و کارگردانی «جواد انصافی»، «طیاره» نوشته صادق کاره و کارگردانی «محمود طالش مجیدی»، «آنها خود مأمور اعدامشان هستند» نوشته و کارگردانی «محمود استادمحمد»، «فریاد» نوشته رهبر و کارگردانی



از جمله: «قلقلی وقلقلی»، که نمایشی عروسکی برای کودکان بود و به مناسبت سالگشت جنگ تحمیلی به اجرا در آمد.

اما ذکر فعالیتهای این مرکز هنری نیز به این دلیل است که حرفه‌ای‌ترین برنامه‌های نمایش حاصل کار هنرمندان این مرکز است. همچنین باید یادآور شد که مهم‌ترین کار اداره برنامه‌های نمایش در نیمسال اول سال جاری برگزاری جشنواره تئاتر تهران موسوم به «پیروزی» بود که در فروردین ماه در تهران برگزار شد. این جشنواره به این دلیل اهمیت دارد که محلی بود برای عرضه کار استعداد‌های جوان در نمایشنامه نویسی، بازیگری و کارگردانی و نیز تبادل نظر و بحث و گفتگو میان این جوانان درباره تئاتر.



«هادی مرزبان»، «پرستوها» کار «سعید امیر سلیمانی»، «خورشید شرق» نوشته بابک صفوت و کارگردانی «سعید نیری»، «چوار» نوشته آل محمد به کارگردانی بابک صفوت، «علی و چراغ جادو» کارژادود غلام حسینی»، «نظاره برشب» با نوشته و کارگردانی «کاسظم معصومی»، «مجوزمرگ» از اریک توماس با کارگردانی «پرویز بشردوست»، و چند نمایشنامه دیگر.

تالار محراب نیز که اخیراً افتتاح شد میان تالارهای نمایش در ماههای اخیر برنامه‌هایش رابه اجرای «تعزیه»- نمایش مذهبی ایرانی- اختصاص داد که در ایام سوگواری درماه محرم به اجرا در آمد. «تعزیه» که بیش از یک نمایش، آئینی است برای بزرگداشت و ذکر شهادت حضرت سیدالشهدا(ع) در ایران سابقه‌ای چند صدساله دارد، اما این نوع خاص نمایش به دلیل ارزش ویژه‌ای که در ذکر بزرگترین شهادت تاریخ و واقعه‌ی انقلابی دارد در چند دهه پیش از انقلاب اسلامی ایران تقریباً منسوخ شده بود و اکنون به یمن انقلاب اسلامی باز دیگر احیا شده و دوباره جان می‌گیرد. اجرای این تعزیه‌ها در تالار محراب از روز سوم ماه محرم تا دوازدهم این ماه ادامه یافت و به ترتیب تعزیه‌های: «حجة الوداع»، «مسلم ابن عقیل(ع)»، «دو طفلان مسلم ابن عقیل(ع)»، «خر»، «حضرت قائم(ع)»، «حضرت علی اکبر(ع)»، «حضرت ابوالفضل(ع)»، «شهادت حضرت امام حسین(ع)»، «قتلگاه»، «غارت خیمه‌های اهل بیت»، به اجرا درآمد.

و بالاخره باید از اداره برنامه‌های نمایش یاد کرد. این اداره که در واقع مهم‌ترین مرکز تولید تئاتر در تهران است برنامه‌هایش را در تالارهایی که قبلاً ذکر شد به اجرا آورده است و اضافه بر آن صحنه کوچکی که در این اداره ساخته شده نیز نمایشنامه‌هایی بر صحنه داشت

اما از کمیت برنامه‌های نمایش که بگذریم نکته مهم و قابل توجه این است که تعداد نمایشنامه‌های ایرانی بسیار جلب توجه می‌کند، که از تعداد نمایشنامه‌های ترجمه به وضوح کاسته شده است. بعد از آن آنچه اهمیت بسیار دارد این است که با نگاهی به نمایشنامه‌های مذکور درمی‌یابیم که نویسندگان و هنرمندان تأثیر توانسته‌اند مضامین جدیدی را که همگام با تحولات اجتماعی ایران پیدا شده به قالب نمایش در آورند و چون این مساله اهمیت خاصی دارد به بررسی چند نمایشنامه از این دست می‌پردازیم.

از جنگ آغاز می‌کنیم. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران همانطور که مساله‌ای مهم در زندگی مردم ما است، در کار نویسندگان و نمایش دهندگان نیز تأثیر قابل توجهی داشته و بر اساس این مضمون نمایشنامه‌های زیادی نوشته شده که از اینهمه یکی از بهترین آنها یعنی «تجاوزگران» نوشته رضا کرم رضائی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

موضوع نمایش جنگ تحمیلی ایران و عراق است. مکان واقعه نمایش دهکده‌ای دور افتاده در نقطه‌ای از مرزهای جنوبی ایران است و نمایش با حمله ناگهانی بعثی‌ها شروع می‌شود. پسر خانواده داوطلبانه برای دفاع راهی سوسنگرد می‌شود. در حالیکه دهکده‌اش زیر توپ‌های دورزن عراقی‌ها کوبیده می‌شود. با خانواده‌اش وداع می‌کند. داماد خانواده مدتی است دور از آنها و در یکی از بنادر کار می‌کند که با شنیدن حمله بعثی‌ها خودش را به خانواده‌اش می‌رساند، تا از دهکده و خانواده‌اش دفاع کند. بعثی‌ها ناغافل حمله کرده‌اند و هر آن نزدیک‌تر می‌شوند. مردم دهکده ایستادگی جانانه‌ای در برابر دشمن می‌کنند. با ایمان راسخ و تقریباً با دست خالی. بعثی‌ها دهکده را تصرف می‌کنند و به اذیت و آزار مردم دهکده و از جمله خانواده مورد بحث می‌پردازند، تا جائیکه به دختر خانواده تجاوز می‌کنند. داماد که در مبارزه علیه بعثی‌ها زخمی شده است، زیر چکمه‌های افسر بعثی به حالت مرگ می‌افتد و ناظر تجاوز افسر عراقی به زنش می‌شود. افراد خانواده به همراه اهالی

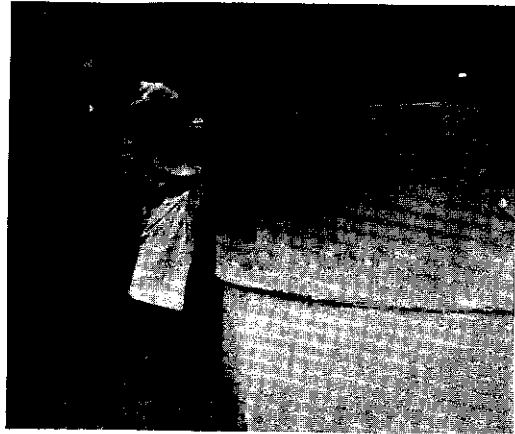
دهکده تصمیم به مبارزه با اشغالگران می‌گیرند و از آنجا که اسلحه ندارند، داماد با زخمی که دارد خود را به سوسنگرد می‌رساند و از ارتش و سپاه کمک می‌طلبد و به همراه دوسه نفر سپاهی و ارتشی و تعدادی اسلحه باز می‌گردد. آنها از بیرون و اهالی ده از داخل با اشغالگران می‌جنگند و موفق به آزاد کردن دهکده می‌شوند.

در نمایش «تجاوزگران» کرم رضائی بجز استفاده بجا و درست از مضمون جنگ توانسته است صحنه‌های دراماتیک و انسانی را در قالب نمایش عرضه کند. به طور کلی این نمایشنامه میان دیگر نمایشنامه‌هایی که درباره جنگ نوشته شده، از نظر صحنه‌بندی، گفتگو نویسی و ایجاد کشمکش‌های دراماتیک موفق‌ترین است. اجرای آن نیز در تالار سنگلج، اجرائی حرفه‌ای پر جاذبه و دیدنی بود.

دومین مضمون قابل توجه استفاده از قصص قرآن کریم است که نویسندگان سعی در بهره گرفتن از آنها کرده‌اند که نمایشنامه «بت» نوشته بهاء‌الدین صفری یگانه در شمار آنهاست.

این نمایشنامه در زمانی روی می‌دهد که پس از ظهور حضرت محمد (ص) عده‌ای از مسلمانان برای تبلیغ دین اسلام راهی سرزمین‌هایی دور می‌شوند. قهرمان نمایش «عبدالرحمن» یکی از آنهاست که رهسپار مصر می‌شود مصری که زیر سلطه طاغوت زمان و مردم گرفتار استبداد و بت‌پرستی است.

«عبدالرحمن» در آنجا با جوان پیکر تراشی به نام احمد آشنا می‌شود و او را به اسلام دعوت می‌کند. احمد و دوستش زمرد حرفه پیکر تراشی را رها می‌کنند و پینه دوز می‌شوند. عبدالرحمن در این سرزمین بت‌کده را ویران و همسر فرمانروا را نیز به دین اسلام می‌خواند. درگیری عبدالرحمن از این پس، با اعمال فرمانروا و پایداری و استقامت او در برابر ظلم بالاخره به موفقیتش می‌انجامد و بعد از قتل فرمانروا به دست یکی از سردارانش بساط طاغوت در آن سرزمین بر چیده می‌شود و مردم نیز به اسلام روی



می آورند.

امتیازی که نویسنده نمایشنامه «بت» دارد همین توجه او به قصص قرآن مجید است، هرچند نمایش از نقطه نظر فن صحنه پردازی تئاتری بسیار ابتدائی است. نثر آن یکدست نیست و نویسنده نتوانسته است زبانی درخور قصه بیابد. صحنه بندی ها و حادثه سازی های نمایش نیز فراتر از استخوان بندی اولیه قصه نیست. اما باید گفت که قصص قرآن مجید یکی از بهترین زمینه ها در نمایشنامه نویسی است. چه از نظر شناساندن این قصص به مردم و چه به دلیل مفاهیم والائی که در آنها است.

«اژدهای شکمو» نوشته مهدی وثوقی، نمایشی است برای بچه ها که به نمایش مفهوم «امپریالیسم» و تبیین و توضیح آن که با شیوه ای قابل درک و تفهم برای کودکان می پردازد:

پرستو دختر بچه ای است که برای خواندن قصه به سراغ کتاب می رود. راوی قصه او را نصیحت می کند که قصه فقط برای خواندن نیست و باید از آن آموخت. راوی روایت می کند که در زمانی نه چندان دور، دهکده ای بود که مردمش در نهایت سادگی زندگی خوب و آرامی داشتند: کار می کردند و حاصل کار از آن خودشان بود تا اینکه اژدهایی که در قصه ها برای بچه ها نقل می کردند، از عالم «قصه» سر برآورد و به دنیای واقعیت ها، درآمد. اژدها به دهکده آمد و تمام ثروت و بهره کار مردم را از دستشان گرفت آنها را فریب داد و ادارشان کرد تا به مرور زمان زیر سلطه

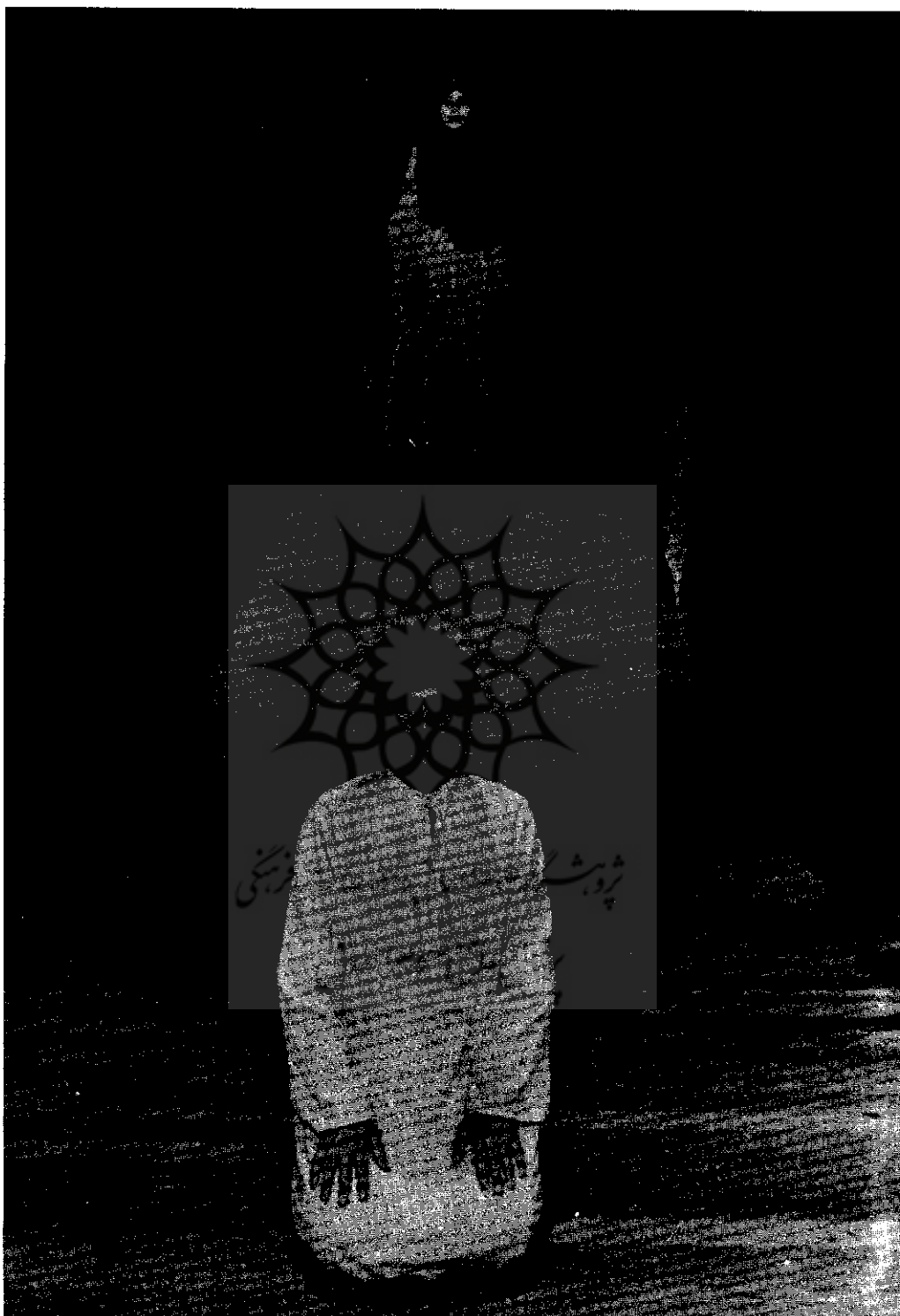
و سیطره او درآمدند تا آنجا که است شمار برای مردم «قاعده» شد. اژدها به سلطه جابرانه و ضد «مردمی» اش ادامه می دهد.

تا اینکه سر انجام پسری به نام «ریزه میزه» زاده می شود که با یاری مردم اژدها را نابود می کند.

نویسنده در این نمایش ساده و قابل فهم برای کودکان به خوبی توانسته است مفهوم مورد نظرش را به نگارش و نمایش در آورد. قالب قصه ظریف و درک آن بسیار آسان است. فضای آشنای قصه به همراهی زبان ساده و قابل فهم آن، هدف نویسنده را به خوبی دنبال کرده است.

نمایش سرآخر می تواند با کودکان به تفهیم و تفاهم برسد و ابعاد «امپریالیسم» را با گویائی، باز گوید. و بالاخره باید از نمایشنامه «کاپیتولاسیون» یاد کنیم.

«کاپیتولاسیون» ماجرای اعدام انقلابی حسنعلی منصور به دست گروه فدائیان اسلام است. نمایش بازگو کننده وقایعی است که در آن زمان وسیله گروه فدائیان اسلام در ارتباط با آنچه حکومت وقت بدون توجه به خواست ها و نیازهای مردم به انجام می رساند. آغاز نمایش خبر از گروهی انقلابی می دهد و در ادامه، صحنه به صحنه کوشش بر این است تا اوضاع اجتماعی، طرز تفکر و برخورد مردم نسبت به اعمال حکومت، و اقدامات و فعالیت های انقلابیون در مخفیگاهها با ذکر جزئیات به تصویر کشانده شود. «کاپیتولاسیون» یک نمایشنامه مستند است و با استناد به حقایقی که در یک دوران تاریخی کشور رخ داد نوشته شده است. حقایقی که در آن زمان به دلیل سانسور و اختناق به آگاهی مردم نمی رسید و امروز به یاری انقلاب اسلامی لحظه به لحظه آن بازگویی شود. البته کوشش نویسنده - کارگردان در مستند سازی از آن جهت مهم است که وقایع ناشناخته و در سایه ابهام و تیرگی رفته رفته رامی شناساند و بر صحنه نمایش باز می آفریند.







عمیق، خوب انتخاب شده است. هر چند پرستوها از نظر نمایشنامه نویسی کم و بیش ضعف هائی دارد اما به دلیل گزینش موضوع و ظرافت طرح آن تماشاگر را جذب می کند.

نکته بسیار مهمی که باید ذکر شود این است که برنامه های یادشده نشان می دهد که «هنرنمایش» شاخص عمده فعالیت های هنری است و تعدد این برنامه ها نیز نمایانگر زنده بودن این هنر در اجتماع و در میان جوانان باذوق و استعداد ایرانی است. در این مورد باید خاطر نشان کنیم که اکثر برنامه های نمایشی اجرا شده در تهران آثاری است از نویسندگان ایرانی و بیشتر در ارتباط با مسائل مهم روز کشور.

این مساله هر چند از نظر کیفی هنوز نتوانسته هنرمندان خلاق و متفکری را معرفی کند، اما دست کم می تواند از نظر کمی این ارزش را داشته باشد که گروهی از جوانان علاقه مند به فن نمایشنامه نویسی را جلب کند و آنان را وادارد با تاثیر از آنچه در زندگی و اجتماعشان می گذرد استعدادهایشان را بیازمایند و برای پیشرفت در این حرفه بکوشند.

اما از نظر فن نمایشنامه نویسی ضعف حسینخانی بخصوص در این است که از قدرت تحلیل وقایع بازمانده و تنها به بازخوانی واقعه بسنده کرده است. یعنی سندها را کنار هم نهاده و از آنها نمایشی گزارش گونه ساخته است. اجرای نمایش نیز به دلیل عدم تجربه کافی بازیگران و حتی کارگردان از اعتباری حرفه ای برخوردار نیست. اما جذابیت واقعه ای که اغلب مردم، آنرا به یاد دارند تماشاگر را به ادامه نمایش برمی انگیزد.

و در آخر ذکری کنیم از نمایشنامه «پرستوها» که ماجرای پرستوهای کوچکی است که خانه و زندگیشان مورد تهاجم قرار گرفته است و میان آنها این بحث در گرفته است که باید از مهاجم گریخت یا با او مبارزه کرد. پرستوی کوچکی همه را به مبارزه تشویق می کند، اما آنها قدرت مقابله با مهاجمین را ندارند، ولی از مبارزه نیز دست برنمی دارند. همت را بر آزادسازی شهر و زندگیشان از ایذا و آزار مهاجمان، گذارده اند. «پرستوها» - به عنوان نمایشی برای کودکان - مضمون مقاومت و پایداری در برابر تهاجم بیگانه را به کودکان می آموزد. ساختمان نمایش برای بازگو کردن و رساندن مفهومی چنین